
زیبایی‌شناسی با تمرکز بر مفهوم اخلاق از منظر یوریکو سایتو

حبیبه رضوانی آهنگرکلایی*

حسین اردلانی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۰

چکیده

این مقاله به واکاوی ابعاد اخلاقی در زیبایی‌شناسی یوریکو سایتو می‌پردازد. آثار اخیر او صریحاً بر جدایی‌ناپذیری زیبایی‌شناسی از بقیه زندگی، به‌ویژه دغدغه‌های اخلاقی، دلالت می‌کنند. وی معتقد است که زیبایی‌شناسی مستلزم غلبه بر شکاف سوژه - ابژه و اتخاذ نگرش ذهنی باز، پاسخگویی، تعامل، و همکاری است. این الزامات ماهیت تجربه زیبایی‌شناختی و شاید به‌طور اساسی‌تر، نحوه حضور ما در جهان و مسئولیت اخلاقی همراه با آن را مشخص می‌کنند.

این مقاله به این سوال پاسخ می‌دهد که از منظر یوریکو سایتو، چگونه قضاوت اخلاقی بر قضاوت‌های زیبایی‌شناختی تأثیر می‌گذارد. همچنین فرضیه این تحقیق مبنی بر آن است که از منظر این اندیشمند، امر زیبایی‌شناختی از امر اخلاقی جدا نیست و وضعیت زیبایی‌شناختی یک اثر هنری یا محیط شهری به وضعیت اخلاقی آن وابسته است.

مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. به‌طوری‌که آرای یوریکو سایتو درباره زیبایی‌شناسی توصیف و جنبه‌های مهم جهان‌بینی و زیبایی‌شناسی وی تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی یوریکو سایتو، زیبایی‌شناسی ژاپنی، زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی، زیبایی‌شناسی منفی

Email: habibeh.rezvani@gmail.com

*. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

** استادیار گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: h.ardalani@iauh.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر، زیبایی‌شناسی از تمرکز بر هنرهای زیبا که بر گفتمان انگلیسی - آمریکایی آن در طول قرن گذشته مسلط بود، رها شده است. با شروع از زیبایی‌شناسی طبیعت و به‌طور گسترده‌تر زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی، زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک گفتمان، به‌طور پیوسته دامنه خود را با گنجاندن هنرهای عامه‌پسند، زیبایی‌شناسی مصرف‌کننده و فعالیت‌های روزمره گسترش داده است. در حالی که این گسترش اغلب یک پیشرفت جدید در نظر گرفته می‌شود؛ دقیق‌تر است که آن را به‌عنوان بازیابی معنای اصلی زیبایی‌شناسی توصیف کنیم: مطالعه ادراک احساس.

سایتو در طول زندگی حرفه‌ای خود در زیبایی‌شناسی که چندین دهه را در بر می‌گیرد، برای چنین بازسازی مفهوم زیبایی‌شناسی تلاش کرده است. چالش‌های وی با زیبایی‌شناسی هنرمحور و مفروضات و مفاهیم آن را می‌توان دنباله‌روی وی از آرنولد برلنت با مفهوم تعامل زیبایی‌شناختی تفسیر کرد. به‌ویژه در اثرش با عنوان زیبایی‌شناسی امر روزمره وی اذعان دارد که مدیون آثار پیشرو آرنولد برلانت است.

تصور سایتو از زیبایی‌شناسی همیشه مبتنی بر اخلاق بوده است، و آثار اخیر او در مورد زیبایی‌شناسی امر آشنا و زیبایی‌شناسی امر روزمره این موضوع را آشکار می‌کند. توجه به ابعاد اخلاقی زیبایی‌شناسی همراه با برخی از جنبه‌های جهان‌بینی و زیبایی‌شناسی ژاپنی روشن‌کننده راه اوست. اشتراکات قابل توجهی بین زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی وی و زیبایی‌شناسی ژاپنی وجود دارد که تصادفی نیست. به‌طور خاص، هر دو زیبایی‌شناسی را در رابطه صمیمی، پیچیده و درهم‌تنیده آن با دیگر دغدغه‌های زندگی، یعنی اخلاقی، اجتماعی و وجودی می‌بیند؛ به‌طوری‌که وی معتقد است، وضعیت زیبایی‌شناختی یک اثر هنری یا محیط شهری به وضعیت اخلاقی آن وابسته است تا آنجایی که اگر امر اخلاقی و امر زیبایی‌شناختی در تضاد هم ظاهر شوند، اولی بر دومی غلبه می‌کند.

هدف از این مقاله درک چگونگی تاثیر قضاوت اخلاقی بر قضاوت‌های زیبایی‌شناختی از منظر سایتو

است. رابطه بین اخلاق و زیبایی‌شناسی در سال‌های اخیر بحث‌برانگیز شده است. سلیقه زیبایی‌شناختی، ترجیح، و قضاوت ما، پیامدهای گسترده‌ای دارد. برخی اوقات، به نظر می‌رسد که زیبایی‌شناسی در برابر نگرش‌ها و اخلاق (شامل اخلاق زیستی) عمل می‌کند. توجه به مباحث اخلاق و زیبایی‌شناسی از منظر سایتو در طراحی اثر (شامل محیط شهری) می‌تواند به بهبود زندگی و ارتقای رفاه جامعه کمک کند. همچنین با ترویج دیدگاه‌های اندیشمندانی مانند سایتو می‌توان در تغییر نگرش مصرف‌کننده کوشید؛ که تأثیرات مثبتی بر بهبود محیط پیرامون ما دارد. این امر در راستای وظیفه زیبایی‌شناسی، «پرورش دادن سواد و حساسیت زیبایی‌شناختی» است تا به تبع آن بتوان قدرت امر زیبایی‌شناختی را در خدمت بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی و حال و روز جهان به‌کار برد و جامعه را به سمت و سویی مدنی‌تر، انسانی‌تر و جهان را به سمت و سویی پایدارتر سوق داد.

پیشینه تحقیق

چندین کار مطالعاتی در ایران درباره ارتباط اخلاق و زیبایی‌شناسی انجام شده که از منظر فیلسوفانی چون فردریچ شیلر، ایمانوئل کانت، و دیوید هیوم است، اما از منظر سایتو در این خصوص مطالعه‌ای صورت نگرفته است. مقاله «نسبت اخلاق و زیبایی‌شناسی در اندیشه شیلر» نوشته سلمانی و شاملو در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. نویسندگان این مقاله اظهار می‌کنند که شیلر «برآورده ساختن وحدت انسانی» را هدف زیبایی‌شناسی می‌داند و چنین اقدامی تنها با توسل به هنر که ابزاری است برای «شرافت بخشیدن به منش یا شخصیت انسانی»، امکان‌پذیر است. بدون زیبایی و تجربه زیباشناختی، ما وضعیتی بهتر از وضعیت حیوانات نداریم، زیرا در این صورت یا به وسیله امیال و خواسته‌های طبیعی‌مان اداره می‌شویم یا ماشینی هستیم که فقط مستعد اندیشه عقلانی است (سلمانی؛ شاملو، ۱۳۹۱: ۷). مقاله «رابطه زیبایی با اخلاق در زیباشناسی کانت» نوشته سلمانی در سال ۱۳۹۴ انجام شده است. در این مقاله عنوان شده است که کانت

سایتو می‌نویسند که محیط باید کانون توجه زیبایی‌شناسی معاصر باشد. آنچه بخشی اعظم از محیط را تعیین می‌کند، تعاملات انسانی است. شخصیت چنین تعاملاتی با شخصیت شرکت‌کنندگان و روابط بین آنها شکل می‌گیرد و در معرض ملاحظات زیبایی‌شناختی قرار می‌گیرد (حسین‌زاده؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۷: ۶۷).

شکاف سوژه - ابژه از منظر سایتو

سایتو معتقد است که یکی از چارچوب‌های حاکم بر سنت فلسفی غرب، دوگانگی سوژه و ابژه و جدایی بین آنها است. در قرن گذشته، زیبایی‌شناسی نیز در این چارچوب دوگانه عمیق و گسترده قرار گرفته است. علی‌رغم مناقشات که در مورد وضعیت هستی‌شناختی موسیقی، ادبیات و هنر معاصر وجود دارد، پارادایم مسلط زیبایی‌شناسی این است که هنر زیبا از یک عامل تجربه‌گر، قابل تمایز و تفکیک است. در نتیجه، رویدادها، موقعیت‌ها و فعالیت‌هایی که فرد انجام می‌دهد، یعنی آن جنبه‌هایی از تجربیات زندگی ما که به سمت یک شیء مشخص یا چارچوب‌بندی‌شده هدایت نمی‌شوند، به نوعی «حقیقت ناخوشایند» تبدیل و از رادار زیبایی‌شناسی ناپدید می‌شوند. به علاوه، این مدل از زیبایی‌شناسی مبتنی بر یک ابژه - سوژه مستقل، و فارغ از فرایند تجربه، به سمت قضاوت در مورد زیبایی یا ارزش هنری تمایل دارد.

درمقابل، وی متأثر از برلانت که خود پیرو جان دیویی بود، تجربه زیبایی‌شناختی را فرایندی پویا توصیف می‌کند که از تعامل بین ابژه و سوژه پدید می‌آید و با واکنش متقابل تسهیل می‌شود. یعنی نه شیء‌محور است، نه سوژه‌محور. این فرایند مانند گفت‌وگوی بین آنهاست، شیء به سوژه و سوژه نیز به نوبه خود به ابژه پاسخ می‌دهد. هنرمند گاهی اوقات جزئیات را موشکافی می‌کند، در حالی که در زمان‌های دیگر نگاهی کلی دارد. وی همچنین تخیل خود را فعال می‌کند و آن را با تجربه حسی در هم می‌آمیزد و در نتیجه لایه‌ای غنی از تداعی‌ها را ایجاد می‌کند. قضاوت در مورد ارزش زیبایی‌شناختی یک شیء به معنای نادیده گرفتن تعامل زیبایی‌شناختی نیست، بلکه باید با

معتقد است خیر یا هرگونه علاقه اخلاقی نمی‌تواند رابطه مستقیمی با امر زیبا داشته باشد. به عبارت دیگر نمی‌توان مبنای داوری زیباشناختی را تصور یک مفهوم یا غایت اخلاقی دانست؛ در عین حال به نظر او، اخلاق می‌تواند رابطه‌ای غیرمستقیم با زیبایی داشته باشد. پس از داوری زیبایی‌شناختی، می‌توان زیبایی را ظهور و تجسم مفاهیم عقلی یا ایده‌های اخلاقی دانست. همچنین کانت در نقد قوه حکم درصدد برقراری ارتباط میان احساس و آزادی است. او معتقد است پرداختن به زیبایی می‌تواند در فرایند پرورش احساس اخلاقی در ما نقشی انکارناپذیر داشته باشد (سلمانی، ۱۳۹۴). مقاله «ارتباط اخلاق و زیبایی‌شناسی در فلسفه هیوم» نوشته همتی، پیکانی و دیگران در سال ۱۳۹۸ است. در این مقاله نویسندگان اظهار می‌کنند که از نظر هیوم در اخلاق، هرآنچه به واسطه زیبایی یا فایده، لذت به بار آورد، امری فضیلت‌مند به شمار می‌آید. فایده‌مندی نیز گاهی به‌طور مستقیم و گاهی نیز به واسطه زیبایی و به سبب اینکه زیبا می‌نماید، لذت به وجود می‌آورد. همچنین زیبایی براساس نظر هیوم، امری ذهنی و وابسته به لذت است؛ پس لذت و رنج مبنای ذوق برای تشخیص فضیلت و ردیلت اخلاقی و ارزش اثر هنری است (همتی و دیگران، ۱۳۹۸).

شایان ذکر است که در مورد یوریکو سایتو مطالب جداگانه کم است اما در مقاله «شناخت و تبیین الگوی زیبایی‌شناسی همگانی (طبیعت - محیط) براساس آرای جان دیویی و نسبت آن با زیبایی‌شناسی محیطی معاصر نوشته حسین‌زاده و شریف‌زاده در سال ۱۳۹۷ که به زیباشناسی امر روزمره از منظر دیویی اختصاص دارد، اشاراتی به آرای سایتو شده است. در این مقاله به نقل از یوریکو سایتو آمده است: «ارزیابی زیبایی‌شناسی از زندگی روزمره، نیازمند شناختن افکار، رویا و مؤلفه‌های دیگر است... هنگامی که با نگرش و ادراکی متفاوت تجربه شوند آن زمان زیبایی‌شناسی در عادی‌ترین و معمولی‌ترین اشیاء و افعال اتفاق می‌افتد. این دیدگاه از لحاظ نظری سعی می‌کند تجربه شیء را در حد تجربه زیبایی‌شناسی گسترش دهد و برای اشیاء و تجربه‌ها هاله‌ای از زیبایی‌شناسی تبیین کند». همچنین از منظر

تأکید بر تجربه‌ای باشد که ممکن است به قضاوت منجر شود یا نشود.

زیبایی‌شناسی ژاپنی از منظر سایتو

یوریکو سایتو که خود ژاپنی است، متأثر از جهان‌بینی ژاپنی، واقعیت را متشکل از روابط به جای موجودات و اشیای منفرد توصیف می‌کند. رابرت کارتر^۱ جهان‌بینی ژاپنی را به عنوان «اعلام وابستگی متقابل» خلاصه می‌کند، یعنی «تشخیص اینکه ما نه تنها به طور جدانشدنی با دیگران بلکه با کل کیهان درهم‌تنیده هستیم» (Carter, 2008: 5).

بهترین تصویری که منعکس‌کننده این جهان‌بینی است، اصطلاح ژاپنی برای انسان، نینگن^۲ «□□» است. کاراکتر اول به معنی «انسان» و دومی به معنی «بین» است که نشان می‌دهد یک فرد با رابطه‌ای که با دیگران دارد، تعریف می‌شود. بنابراین هستی‌شناسی ژاپنی دوگانگی غربی سوژه و ابژه را تایید نمی‌کند. به نقل از اینوتسکا^۳، تنسورو واتسوجی^۴، یکی از تأثیرگذارترین متفکران ژاپنی قرن بیستم، از وجود انسان به عنوان «بین بودن» یاد می‌کند، که بر این اساس ترجمه دقیق «نینگن» باید «انسان در بین» باشد (Inutsuka, 2017: 103).

در این تأکیدزدایی از یک خود مستقل (که از دیدگاه غربی به آن نگاه می‌شود)، در زبان ژاپنی نیز منعکس می‌شود. همان‌طور که آگوستین برکو اشاره می‌کند، به‌طور معمول یک جمله ژاپنی خوش‌فهم فاقد ضمیر فاعل «من» است، اما در بسیاری از زبان‌های اروپایی این فاعل لازم است. به عنوان مثال، به جای گفتن «من می‌روم»، گفتن «رفتن» رایج‌تر و طبیعی‌تر است. تمرکز بر مسند نشان‌دهنده تقدم چیزی است که برک آن را «یک صحنه» یا «مجموعه خاصی از شرایط» می‌نامد (Berque, 2017: 16).

سنت زیبایی‌شناختی ژاپنی این اولویت صحنه‌ها و شرایط را در فضای فصلی منعکس می‌کند که بدون شک به دلیل چهار فصل متمایز ژاپن است که از پدیده‌های هواشناسی، گیاهان و رویدادها تشکیل شده است. به عنوان مثال، کوکینشو^۵ □□□، اولین مجموعه اشعار تحت حمایت دربار، که در سال ۹۰۵ میلادی

گردآوری شد، براساس فصل سال سازماندهی شده است. همچنین کتاب بالش^۶ □□□، مجموعه‌ای پر از مشاهدات حساس و مقالات درباره فصل‌ها است. این کتاب را یک بانوی درباری در قرن یازدهم نوشته است. بخش آغازین معروف آن بهترین‌های هر فصل شامل طول روز، موجودات و پدیده‌های طبیعی، فعالیت‌های مردم و اشیاء را تمجید می‌کند. هر دو این آثار، کلاسیک هستند و تأثیر آن‌ها بر ادبیات بعدی ژاپن و به‌طور کلی حساسیت زیبایی‌شناختی ژاپنی قابل‌اندازه‌گیری نیست (Saito, 2017: 21).

این احساس زیباشناختی دیرینه در مورد شرایط و صحنه هنوز در ژاپن زنده است. به نقل از سایتو، شوچی تاکاشینا^۷ در تحقیق خود در مورد حس زیبایی ژاپنی، در نگرش مردم نسبت به حیوانات اظهار می‌کند که پاسخ‌دهندگان آمریکایی در پاسخ به این سؤال که زیباترین حیوان کدام است، بلافاصله اسب، شیر و... را انتخاب کردند، در حالی که پاسخ‌دهندگان ژاپنی پاسخشان بسیار متفاوت بود: «پرنندگان کوچکی که با طلوع آفتاب به پرواز در می‌آیند» (ibid). همچنین تاکاشینا در توضیح این تفاوت بیان می‌کند که چگونه حساسیت زیبایی‌شناختی ژاپنی به سمت «جوکیو»^۸ □ (که به عنوان حالت اشیاء، شرایط، یا موقعیت‌ها ترجمه می‌شود) به جای «جیتای»^۹ □□ (به عنوان جوهر، موضوع، موجودیت ترجمه می‌شود) متمایل است. یعنی ویژگی‌های زیبایی‌شناختی پرنندگان را جدا از رابطه با محیط اطرافشان نمی‌توان تعیین کرد (ibid). سایتو این حساسیت زیبایی‌شناختی را «زیبایی‌شناسی موقعیتی» می‌نامد، و آن را با تعامل زیبایی‌شناختی آرنولد برلانت مقایسه می‌کند. همان‌طور که برلانت می‌گوید، «رابطه انسان‌ها با اشیاء رابطه‌ای بین موجودات گسسته و خودبسنده نیست. برعکس، همان‌طور که مردم خود را بر اشیاء تحمیل می‌کنند، اشیاء نیز بر مردم تأثیر می‌گذارند» (Berleant, 2012: 85).

در پرتو مفهوم ژاپنی وابستگی متقابل، سایتو معتقد است که تعامل زیبایی‌شناختی، یک تجربه زیبایی‌شناختی را مشخص می‌کند، و شاید مهم‌تر از آن، حالت اصیل بودن در جهان را نیز مشخص می‌کند. به

عبارت دیگر فرد یک مرکز منزوی و واحد از جهان نیست، بلکه در تعاملش با دیگران تعریف می‌شود و وجود دارد. اولین بُعد وجودی تعامل زیبایی‌شناختی رابطه وابسته متقابل بین خود و دیگری است.

تعالی خود از منظر سایتو

سایتو معتقد است که دلالت اخلاقی دیگری در تعامل زیبایی‌شناختی وجود دارد که به عنوان شیوه واقعی وجود ما در این جهان درک می‌شود. تعالی خود به‌ویژه با تعلیق دنیای آشنا و فراتر رفتن از افق خود شروع می‌شود. وی به دیگری (خواه فردی دیگر یا خواه کاری هنری) به‌عنوان «تو» برخورد می‌کند نه «آن». این نگرش باز راه را برای تبادل متقابل و تلاش مشترک برای ایجاد یک تجربه زیبایی‌شناختی خاص هموار می‌کند. براساس این نگرش، وی ارتباطات جدید و دیدی متفاوت از جهان دارد. این نگرش نسبت به تعامل زیبایی‌شناختی، موضعی اخلاقی دارد و اهمیت آن را بسیاری از متفکران و دست‌اندرکاران رشته‌های مختلف شناسایی و بر آن تأکید کرده‌اند. آنچه قابل توجه است اینکه همه آن‌ها به تجربه زیبایی‌شناختی به‌عنوان موثرترین وسیله برای پرورش این حالت اخلاقی وجود اشاره می‌کنند.

وی معتقد است که ذن این موضع اخلاقی را به عنوان آمادگی لازم برای غلبه بر خود، فراموش کردن یا فراتر رفتن از خود توصیف می‌کند. وسیله مطلوب برای نظم و انضباط ذن، تمرین هنری است، زیرا هدف آن کسب مهارت‌ها نیست، بلکه هدف آن تبدیل شدن است. شخصی که نحوه حضورش در جهان بر اخلاق و زیبایی‌شناختی استوار است. رابرت کارتر در مورد آموزش هنری ژاپنی‌ها اشاره می‌کند که «اخلاق در درجه اول از طریق هنرهای مختلف آموزش داده می‌شود و به‌عنوان یک نظریه انتزاعی یا به‌عنوان یک سری قوانین برای به‌خاطر سپردن آموخته نمی‌شود» (Car-ter, 2008: 2). سایتو معتقد است آنچه در مورد عمل هنری صادق است برای داشتن یک تجربه زیباشناختی نیز قابل استفاده است.

وی اشاره می‌کند که این موضع اخلاقی ذن مشابه

است با مفهومی که آیریس مرداک^{۱۰} درباره «از خود گذشتگی»^{۱۱} دارد. او با توجه به این واقعیت که «ذهن ما دائماً فعال است، و مانند حجابی مضطرب، معمولاً مشغول به خود و اغلب جعل‌کننده است که تا حدی جهان را پنهان می‌کند». مرداک ادعا می‌کند که «هر آنچه که خودآگاهی را به ازخودگذشتگی، عینیت و واقع‌گرایی سوق دهد، باید با فضیلت مرتبط باشد» در نتیجه، او درک خوب هنر را پاداش از خود گذشتگی موفقیت‌آمیز می‌داند که به فرد کمک می‌کند «از محدودیت‌های خودخواهانه و وسواس‌آمیز شخصیت فراتر رفته و احساس را افزایش دهد» (Saito, 2017b: 22) براساس نظر سایتو، همه این ویژگی‌های موضع اخلاقی که برای تعامل موفق فرد با دیگران نیاز است، الزامات تعامل زیبایی‌شناختی هستند: نگرش باز، پذیرش، فروتنی، احترام و همکاری متقابل. این تعامل مبتنی بر اخلاق با جهان را به‌صراحت می‌توان در زیبایی‌شناسی تعاملات انسانی مشاهده کرد. تعاملات انسانی در گفتمان زیبایی‌شناسی جایگاه درستی دارد، و مهم‌تر از آن، نشانه‌ای واضح از مسئولیت اخلاقی تعامل زیبایی‌شناختی است.

زیبایی‌شناسی تعاملات انسانی از منظر سایتو

سایتو معتقد است که زیبایی‌شناسی تعاملات انسانی، یا آنچه که برلانت زیبایی‌شناسی اجتماعی می‌نامد، اهمیت اخلاقی بسیار عمیق‌تری در زندگی ما دارد. در این خصوص، وی دوباره به سنت زیباشناختی ژاپنی بازمی‌گردد و می‌گوید که ایکو ایکگامی^{۱۲} در کاوش تاریخی و جامعه‌شناختی خود از هنرهای سنتی ژاپن استدلال می‌کند که مردم از همه رده‌های اجتماعی و زمینه‌های تحصیلی در فعالیت‌های هنری شرکت می‌کردند، به‌ویژه از قرن پانزدهم، اواسط دوره فئودالی قرون وسطی ژاپن (ibid, 25). از طریق به‌کمال رساندن مهارت‌های هنری، هدف نهایی از شیوه‌های مختلف هنری، تقویت حس مدنیت، معاشرت و مهارت‌های لازم برای عمل به آن‌ها بود. برجسته‌ترین نمونه‌ها عبارتند از ترکیب شعر پیوندی^{۱۳} و مراسم چای که هر دو از اواخر دوره قرون وسطی تا دوره ادو (۱۶۰۳-۱۸۶۸) شکوفا

شده‌اند. اگرچه شعر پیوندی دیگر اجرا نمی‌شود، مراسم چای و زیبایی‌شناسی همراه آن همچنان در فرهنگ ژاپنی امروز ادامه دارد.

شعر پیوندی شکلی از بازی گروهی است که در آن گروهی از افراد از همه رده‌های اجتماعی گرد هم می‌آیند و مجموعه‌ای از ابیات شاعرانه را می‌سازند. یک نفر با چند خط شروع می‌کند و به دنبال آن نفر بعدی موضوع یا تصویر را ادامه می‌دهد؛ در حالی که سهم خود را اضافه می‌کند، توسط نفر بعدی دنبال می‌شود و غیره. این فعالیت اشتراکی برای ساعت‌های زیادی ادامه دارد. گاهی اوقات در تمام شب به ده‌هزار پیوند منجر می‌شود. آنچه در هم‌آفرینی موفقیت‌آمیز شعر پیوندی حیاتی است، تنظیم سهم فرد با سطرهای قبلی ساخته‌شده توسط دیگران بدون قربانی کردن بیان خود است. علاوه بر تخیل شاعرانه و قدرت خلاق، مهارت شنیداری خوب لازم است. همان‌طور که ایکگامی اشاره می‌کند، «برای ساخت یک سکانس شاعرانه خوب، شرکت‌کنندگان باید با دقت به دیگران گوش داده و خلاقیت شاعرانه آن‌ها را درک کنند». بنابراین، به بهانه شرکت در یک فعالیت جمعی شعرسازی، «اجتماعی شدن از طریق سرودن شعر پیوندی وسیله‌ای ایده‌آل برای ایجاد فضای معاشرت متمدنانه بود» (Ikegami, 2005: 78).

اگر تمرین شعر پیوندی را شبیه «برنامه آموزشی برای توسعه مدنیت در فضای عمومی» در نظر بگیریم (ibid)، مراسم چای نیز مشابه آن است اما زیبایی‌شناسی مراسم چای، لایه دیگری از تعاملات انسانی را اضافه می‌کند: ارتباط غیرکلامی از طریق مدیتیشن اشیاء و حرکت بدن. در مراسم چای، بخش قابل توجهی از تعاملات بین میزبان و میهمانان از طریق آنچه ایکگامی آن را «شیوه‌های ارتباط ضمنی» می‌نامد، صورت می‌گیرد (Ikegami, 2005: 221). چنین تعاملاتی شامل تفکر میزبان می‌شود که در انتخاب خاص اقلام مختلف مورد استفاده برای رویداد و آماده‌سازی باغ و کلبه چای مناسب برای میهمانان و مناسبت‌ها (مانند فصل و آب‌وهوا) بیان می‌شود. هر جنبه‌ای از حرکات بدن میزبان در تهیه و سرو چای نیز حاکی از توجه متفکرانه او به میهمانان است. یعنی «مراقبت و توجه میزبان از

طریق هنر حرکت و اشاره بیان می‌شود» (ibid, 226). میهمانان نیز به نوبه خود سپاسگزاری و قدردانی خود را از طریق ژست‌های مربوط به دریافت و در دست گرفتن کاسه چای، نوشیدن چای، خوردن میان‌وعده و خداحافظی نشان می‌دهند. بنابراین مراسم چای موقعیتی را ایجاد می‌کند که در آن «عمیق‌ترین ارتباطات انسانی از طریق همدلی زیباشناختی صورت می‌گیرد» (Saito, 2007: 150).

یوریکو سایتو معتقد است که مراسم چای یک جهان کوچک هنری را فراهم می‌کند که در آن زیبایی‌شناسی تعاملات انسانی متبلور می‌شود. همچنین غلبه تعاملات انسانی بدون ارتباط کلامی را در فرهنگ و زیبایی‌شناسی ژاپن تقویت می‌کند. با این حال باید توجه داشت که ارتباطات غیرکلامی فراتر از این سنت فرهنگی خاص، جدایی‌ناپذیر از تعاملات انسانی است. صرف‌نظر از زمینه فرهنگی خاص، ماهیت تبادل کلامی با حرکات، حالات چهره، لحن صدا، مکث و موارد مشابه بیان می‌شود (Saito, 2016: 225).

صرف‌نظر از نحوه ارتباط، هم شعر پیوندی و هم مراسم چای نشان می‌دهند که تعامل موفق انسانی مستلزم مشارکت کامل زیبایی‌شناختی همه طرف‌ها است. چه در یک گفت‌وگو و چه در مراسم چای، اگر یکی از طرفین از مشارکت متقابل خودداری کند یا نتواند در همکاری متقابل شرکت کند، تعامل با شکست مواجه می‌شود. یک مکالمه یک‌طرفه یا طرفینی که در کنار هم صحبت می‌کنند هرگز تجربه رضایت‌بخشی به همراه نمی‌آورد. اگر میهمان‌نوازی میزبان با مهربانی مورد تایید و قدردانی میهمانان قرار نگیرد، مراسم چای موفق نخواهد شد. اگر کسی در تسلیم تخیل و خلاقیت خود به فرایند خلاقیت مشارکتی ناتوان باشد، زنجیره اشعار شکسته می‌شود. در این نمونه‌ها، تعامل هم از نظر زیبایی‌شناختی و هم از نظر اخلاقی شکست می‌خورد. یوریکو سایتو معتقد است که زیبایی‌شناسی تعاملات انسانی بیشتر از طریق تمرین پرورش می‌یابد. این تمرین با تعامل همه اجزای وجود، مانند بدن، ذهن، ادراک، احساس، عاطفه، تخیل و عقل هدایت می‌شود. همچنین تربیت اخلاقی از تربیت زیبایی‌شناختی

جدایی‌ناپذیر است و زیبایی‌شناسی اجتماعی برلانت نیز پایه‌ای برای تربیت اخلاقی فراهم می‌کند. تعامل زیباشناختی موفق نیز لازمه تعامل اخلاقی موفق با جهان است. احساس مورد نیاز برای تعامل زیبایی‌شناختی باید برای تعاملات مدنی، محترمانه و انسانی با دیگران پرورش داده شود و بدون آن جامعه مدنی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

زیبایی‌شناسی منفی از منظر سایتو

یوریکو سایتو معتقد است که دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم یک مدینه فاضله زیبایی‌شناختی نیست و مملو از چیزهایی است که باعث تجربیات زیبایی‌شناختی منفی می‌شوند، از مصنوعات با طراحی نامرغوب و محصولات مشتری‌مدار گرفته تا مناظر خیابانی پیش‌پاافتاده با تبلیغات مبتذل و موزیک‌های بی‌معنا در مراکز خرید. وی با پیروی از برلانت به این موارد و بسیاری از نمونه‌های دیگر از «زیبایی‌شناسی منفی» توجه می‌کند و از ما می‌خواهد که حضور آن‌ها را در زندگی و جوامع خود بشناسیم، زیرا زیبایی‌شناسی بهترین ابزار است برای افشای آنچه به احساس، تجربه و درنهایت به سلامت و رفاه ما آسیب می‌زند.

همچنین وی معتقد است که فعالان زیبایی‌شناسی حرفه‌ای تا حد زیادی مسئول ایجاد این موارد از زیبایی‌شناسی منفی هستند. اما این بدان معناست که دیگران از هر مسئولیتی معاف هستند. حتی در این موارد، همه افراد جامعه، هنوز در پروژه جهان‌سازی شرکت می‌کنند، زیرا باید سواد و حساسیت زیبایی‌شناختی خود را تقویت کنند تا این جنبه‌های زیبایی‌شناسی منفی را در زندگی و جامعه خود برجسته کنند و در جهت بهبود، حتی اگر غیرمستقیم، تلاش کنند. مشارکت همه در تضعیف، کاهش یا حذف زیبایی‌شناسی منفی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد: سازماندهی یک مقاومت جمعی در برابر پیشنه‌ای که فضای یک منظر شهری را از بین می‌برد؛ تحریم شرکت‌هایی که محصولات بی‌بهره و نامرغوب تولید می‌کنند؛ درخواست تصویب مقررات زیست‌محیطی از قانونگذاران و اخذ تضمین حداقل استاندارد نجابت

زیبایی‌شناختی برای همه شهروندان؛ تشویق مسئولان مدرسه به گنجاندن آموزش زیبایی‌شناسی فراتر از آموزش هنر در برنامه درسی خود (Saito, 2017b: 27). بنابراین از دیدگاه وی، زیبایی‌شناسی ابزاری ضروری برای ارزیابی و بهبود کیفیت زندگی است. داشتن قوانین عادلانه، یک نظام سیاسی خوب، و سایر امکانات اجتماعی مانند فرصت‌های آموزشی و اقتصادی، مراقبت‌های بهداشتی تضمین‌شده و مواردی از این دست برای یک جامعه کافی نیست، مگر اینکه با آن چیزی که یوجو سپنما «رفاه زیبایی‌شناختی» می‌نامد، همراه باشند (Sepänmaa, 1995: 15). بشر باید بتواند از تجربیات زیبایی‌شناختی چه از طریق تعامل با مصنوعات و محیط‌ها و چه از طریق تعاملات انسانی لذت ببرد. از این رو، برخلاف دیدگاه متأسفانه گسترده‌ای که زیبایی‌شناسی را صرفاً به‌عنوان خامه روی کیک بی‌اهمیت می‌نگرد، زیبایی‌شناسی اساس یک زندگی خوب را فراهم می‌کند.

زیبایی‌شناسی امر روزمره و زیبایی‌شناسی امر آشنا از منظر سایتو

یوریکو سایتو کتاب‌هایی به نام زیبایی‌شناسی امر روزمره (۲۰۰۸)^۴ و زیبایی‌شناسی امر آشنا، زندگی روزمره و ساختن جهان (۲۰۱۷)^۵ دارد. وی اذعان دارد که مفهوم زیبایی‌شناسی امر روزمره را از دیویی الهام گرفته است. وی در کتاب زیبایی‌شناسی امر روزمره می‌نویسد که «کم و بیش همه نویسندگانی که در باب زیبایی‌شناسی امر روزمره قلم می‌زنند از کتاب جان دیویی^۶ به نام هنر به منزله تجربه (۱۹۳۴) الهام گرفته‌اند» (سایتو، ۱۳۹۶: ۱۰). بحثی که دیویی در این کتاب درباره «به دست آوردن تجربه‌ای واحد» دارد، نشان می‌دهد که تجربه زیبایی‌شناختی در هر جنبه‌ای از زندگی روزانه مردم ممکن است وجود داشته باشد؛ از غذا خوردن یا حل یک مسئله ریاضی گرفته تا مصاحبه‌ای شغلی. دیویی با جا دادن «امر زیبایی‌شناختی» در سرشت نوعی تجربه به عوض قرار دادن آن در شیء یا موقعیتی معین، راه را برای مدافعان زیبایی‌شناسی روزمره گشود تا جنبه‌های متعدد زندگی

زیبایی‌شناختی انسان‌ها را بدون حد و مرزی از پیش طراحی‌شده، بکاوند (همان) یوریکو با پیروی از دیویی به زیبایی‌شناسی امر روزمره می‌پردازد و می‌نویسد که هدف زیبایی‌شناسی روزمره این است که مردم به تمام وجوه چندگانه زندگی زیبایی‌شناختی چنان که باید توجه کنند: از جمله به اجزای گوناگون سازنده زندگی روزمره مصنوعات که روزانه از آن‌ها استفاده می‌کنیم؛ خرده‌کاری‌های گوشه و کنار خانه؛ تعامل با دیگران و فعالیت‌های متعارف روزانه مانند خوردن و پیاده‌روی و حمام کردن. همچنین زیبایی‌شناسی روزمره می‌خواهد پژوهش‌های زیبایی‌شناسی را از تمرکز کم‌وبیش انحصاری بر زیبایی که مشخصه زیبایی‌شناسی مدرن غرب است، رها سازد. کتاب *زیبایی‌شناسی امر آشنا، زندگی روزمره و ساختن جهان* نیز درواقع نام دیگری است که به موضوع زیبایی‌شناسی امر روزمره داده است. (Saito, 2017a: 4)

ظهور گفتمان زیبایی‌شناسی روزمره همزمان است با تلاشی روزافزون برای محو کردن تمایز میان هنر و زندگی در جهان هنر امروز غرب. در سراسر تاریخ هنر نمونه‌های بسیاری از نمایش برش‌هایی از زندگی روزمره وجود داشته است؛ مانند نقاشی‌های هلندی از زندگی روزمره، اما هنر قرن بیستم شیوه‌های گوناگونی برای تصاحب زندگی روزمره ارائه کرد که از همه مشهورتر استفاده از حاضر آماده‌هاست^{۱۷}. از آن زمان تاکنون هنرمندان کوشیده‌اند به شیوه‌های گوناگون بر جدایی هنر و زندگی واقعی که دیرزمانی مقبول افتاده بود، چیره شوند. رد محیط نهادی هنر به‌عنوان مکانی برای هنرشان؛ انکار ضرورت حجیت و اقتدار مولف، به معنای واقعی کلمه؛ بهبود محیط‌زیست و جامعه با کاشت درخت؛ و تمیز کردن رودخانه‌ها به مثابه جنبشی در هنر است که زندگی روزمره را در خود جای می‌دهد.

سایتو می‌نویسد که زندگی روزمره مردم می‌تواند به لحاظ زیبایی‌شناختی جنبه منفی نیز داشته باشد. کیفیت‌های زیبایی‌شناختی منفی‌ای که منفی تجربه می‌شوند، در مقام مقایسه در زندگی روزمره کاملاً فراگیرند و به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی اثر می‌گذارند. فضای شهری کثیف و غیربهداشتی؛

سروصداهای گوش‌خراش؛ تابلوهای درهم آگهی‌های شهری با علامت‌ها و نشانه‌های عجیب‌وغریب و تصاویر منزجرکننده: بوی نامطبوع کارخانه‌ای نزدیک و چیزهایی از این دست در زندگی روزمره تجربه می‌شوند (Saito, 2017b: 26).

زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی از منظر سایتو

یوریکو سایتو معتقد است که واکنش‌های زیبایی‌شناختی روزمره اغلب به سراسرترین شکل، اعمال آدمیان را هدایت می‌کنند. اگر چیزی به واسطه گیرایی زیبایی‌شناختی‌اش ما را جذب کند معمولاً از آن محافظت می‌کنیم، آن را می‌خریم یا اگر محیطی را به لحاظ زیبایی‌شناختی گرا نیابیم، معمولاً نسبت به سرانجامش بی‌تفاوت هستیم، آن را به کناری می‌گذاریم یا می‌کوشیم جذاب‌ترش کنیم. ارزش‌های زیبایی‌شناختی مثبتی مانند مد روز بودن و شیک بودن فرآورده‌ها سبب می‌شود، آنها را قبل از آنکه کارایی و عملکردشان را از دست دهند، تعویض کنیم.

همین ارزش‌های زیبایی‌شناختی مثبتی که در فرآورده‌های نهفته و آن‌را فرا گرفته است اغلب مصداق‌های گوناگون «زشتی» نهفته در فرایند تولید و زندگی بعد از مرگ فرآورده را پنهان می‌کند. زیبایی‌شناسی منفی مربوط به تولید فرآورده شامل تخریب محیط‌زیست به علت استخراج منابع و آلودگی و همچنین شرایط کاری ناگوار کارگران کارخانه‌هاست. زیبایی‌شناسی منفی زندگی پس از مرگ فرآورده‌ها را می‌توان در حجم روزافزون اقلامی دید که دیگر رایج و مد روز شمرده نمی‌شوند و به گورستان‌های زباله‌های شهری و همچنین به اقیانوس‌ها ریخته می‌شوند. چنین آشغال‌هایی را روانه کشورهای در حال توسعه نیز می‌کنند و در آنجا مردم محلی از قطعاتی که قابل استفاده مجدد و اغلب سمی هستند بی‌هیچ ابزار حفاظتی استفاده می‌کنند (سایتو، ۱۳۹۶: ۴۲).

پیامدهای منفی زیبایی‌شناسی روزمره را در چمن هموار، مخملی و یک‌دست سبزی که در آن علف هرز پیدا نمی‌شود نیز می‌توان یافت. به وجود آوردن و نگهداری چمنی با این شکل و شمایل اغلب همراه با

و دیگری بر قدرت آن در تأثیرگذاری منفی، اما هر دو بر تأثیرگذاری هنر در اخلاقی زیستن اذعان می‌کردند و از این رو، نقد اخلاقی هنر را ممکن و بلکه ضروری می‌دانستند.

در سده هجدهم اما فیلسوفی به عظمت این هر سه پا به عرصه نهاد و برای نخستین بار، جدایی قلمرو اخلاق را از زیبایی‌شناسی مطرح کرد، و احکام اخلاقی را متمایز از احکام زیبایی‌شناختی دانست. پس از نقد سوم کانت، نقد اخلاقی هنر دیگر اعتبار و حجّت دوهزارساله‌اش را از دست داد و خاصه با تفاسیری که طرفداران «رمانتیسیسم» و «هنر برای هنر» به دست دادند، اساساً امکان چنین نقدی کمتر شد.

خواه برداشتی را که مخالفان امکان نقد اخلاقی هنر از کانت به دست دادند، سوءتفسیر کانت بدانیم و خواه چنین برداشتی را تفسیر درست کانت بدانیم، در هر حال، باید اذعان کرد که نفوذ این ردیه بر نقد اخلاقی به قدری بود که نقد اخلاقی هنر را تا دهه هفتاد قرن بیستم به محاق برد و تنها از اوایل این دهه بود که کم‌کم زمزمه‌هایی در نقد این رویکرد به گوش رسید (همان).

حال، پس از قریب به دویست سال، دوباره دفاع از امکان نقد اخلاقی هنر بالا گرفته است و کسانی، با پذیرش وجود ارزش‌های زیبایی‌شناختی، به دفاع از ارزش (ایجابی یا سلبی) اخلاقی آثار پرداخته‌اند و بر رابطه نقد اخلاقی اثر هنری با نقد زیبایی‌شناختی تأکید کرده‌اند؛ یعنی به رابطه حسن/عیب اخلاقی موجود در اثر هنری با حسن/عیب زیبایی‌شناختی آن اثر تأکید کرده‌اند.

در مواجهه با این مسئله، دو رویکرد عمده عرضه شده است: عده‌ای وجود چنین نسبیتی را منکر شده‌اند، و عده‌ای هم وجود این نسبت را پذیرفته‌اند. هر دو دسته منکران و مؤیدان را برحسب تقسیم‌بندی پیشنهادی آلساندرو جیووانلی^{۱۸}، می‌توان به تندرو و میانه‌رو تقسیم کرد:

منکران تندرو اساساً امکان نقد اخلاقی اثر هنری را انکار می‌کنند و از این رو، به گمانشان دیگر دم زدن از نسبت میان نقد اخلاقی و نقد زیبایی‌شناختی بی‌معنا

عواقب زیست‌محیطی جدی از قبیل استفاده بیش از حد از آب، کود شیمیایی، سم، علف‌کش و حشره‌کش است. جایی که آویزان کردن رخت‌ها در محیط بیرون از خانه و همچنین توربین‌های بادی بدمنظر دانسته شود، جوامع برای ممنوع کردن چنین اموری مقررات وضع می‌کنند و این امر فرصت پدید آمدن شیوه پایدارتری از زندگی را نمی‌دهد.

درمقابل، موفقیت طراحی پایدار یا حامی محیط‌زیست و کالاهایی که تحت شرایط انسانی تولید شده‌اند اغلب متکی به پذیرش سرمشق‌های زیبایی‌شناختی تازه‌ای است؛ مانند باغ‌هایی با گل‌های خودرو یا گیاهان خوردنی، لباس‌ها و اثاثیه‌ای که از مواد بازیافتی یا دور ریخته ساخته شده‌اند و ساختمان‌های سبزی که، هم رد پاهای حقیقی روی زمین و هم رده‌های کربن را می‌کاهند. این زیبایی‌شناختی تازه همان زیبایی‌شناختی زیست‌محیطی است. زیبایی‌شناختی زیست‌محیطی افزون بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی اشیاء، سازه‌ها و محیط‌زیست، بیانگر فضیلت‌های اخلاقی‌ای مانند احترام و ملاحظه‌کاری و فروتنی است.

نسبت اخلاق و زیبایی‌شناسی در آرای سایتو

مسئله رابطه بین امر اخلاقی و امر زیبایی‌شناسی مورد توجه فیلسوفان زیادی قرار گرفته است. افلاطون، آغازگر جدی‌ترین بحث‌های فلسفی در باب هنر، به قدرت هنر در اثرگذاری بر حیات اخلاقی بسیار باور داشت. عمق سخن افلاطون در این باب چنان بود که پس از او، تا سده هجدهم، هیچ فیلسوف برجسته‌ای در اصل سخنش اشکال نکرد (کرمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲). ارسطو از قدرت هنر در تزکیه عواطف می‌گفت و مدعی بود که از طریق چنین تزکیه‌ای مجال پروردن فضائل در درون آدمی فراهم می‌شود که در اخلاقی زیستن تأثیر مستقیم دارد، و هیوم از این امر سخن به میان می‌آورد که معایب اخلاقی موجود در آثار هنری، احساسات اخلاقی را پریشان می‌کند و مرزهای طبیعی فضیلت و رذیلت را در هم می‌ریزد. یکی بر قدرت هنر در تأثیرگذاری مثبت بر حیات اخلاقی تأکید بیشتر می‌کرد

است. مشهورترین نماینده چنین طرز تلقی‌ای اسکار وایلد است.

منکران میانه‌رو نقد اخلاقی را ممکن می‌دانند اما نسبتی میان نقد اخلاقی و نقد زیبایی‌شناختی نمی‌بینند. به عبارت دیگر، انکار ایشان تنها معطوف به وجود نسبتی میان ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی اثر است. از مهم‌ترین قائلان به این رویکرد باید از بی‌بر دزلی، لامارکویی، و اندرسون نام برد. مؤیدان تندرو، افزون بر تأیید امکان نقد اخلاقی هنر، می‌گویند که هرگونه حسن اخلاقی اثر همواره مزیت زیبایی‌شناختی آن و هرگونه عیب اخلاقی اثر همواره نقص زیبایی‌شناختی آن است. هیوم را می‌توان بزرگ‌ترین مدافع این رأی دانست.

اما مؤیدان میانه‌رو دیدگاه‌های متنوعی در باب چگونگی نسبت میان ارزش‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی دارند، که آن‌ها را می‌توان به دسته‌های متفاوتی تقسیم کرد (کرمی؛ حسینی، ۱۳۹۵: ۲۱۱).

براساس طبقه‌بندی فوق می‌توان یوریکو سایتو را در طبقه مؤیدان تندرو قرار داد که علاوه بر امکان نقد اخلاقی هنر، هرگونه حسن اخلاقی اثر همواره مزیت زیبایی‌شناختی آن و هرگونه عیب اخلاقی اثر همواره نقص زیبایی‌شناختی آن است. وی در کتاب *زیبایی‌شناسی/امر روزمره* به صراحت بیان می‌کند که وضعیت زیبایی‌شناختی یک اثر یا محیط شهری به وضعیت اخلاقی علت/معلول آن وابسته است، «تا آنجایی که اگر امر اخلاقی و زیبایی‌شناختی در تضاد هم ظاهر شوند، اولی بر دومی غلبه می‌کند.» (Saito, 2007: 215). همچنین وی معتقد است که قضاوت اخلاقی ما، نقش مهمی در قضاوت زیبایی‌شناختی ما بازی می‌کند و می‌نویسد که «انکارناپذیر است که قضاوت‌های ما در مورد محیط شهری اغلب از قضاوت‌های ما در مورد ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی آن جدایی‌ناپذیر است» (ibid.216). به علاوه، وی معتقد است که برای قضاوت زیبایی‌شناختی براساس قضاوت اخلاقی خود در مورد عملی که اثر هنری یا محیطی را به وجود آورده، به حق هستیم. به عبارت دیگر اعتقادی به اجتناب از تأثیر قضاوت اخلاقی بر قضاوت زیبایی‌شناختی ندارد

(ibid.215)

در ادامه به منظور درک بهتر گفتمان رابطه اخلاق و زیبایی‌شناسی از منظر یوریکو سایتو نمونه‌هایی ارائه می‌شود.

نمونه‌هایی از گفتمان رابطه اخلاق و زیبایی‌شناسی از منظر سایتو

در این بخش از مقاله سه نمونه از گفتمان اخلاقی - زیبایی‌شناختی یوریکو سایتو را بررسی می‌کنیم: ۱. مناسب بودن ظاهر یک فرد؛ ۲. چشم‌انداز بدنمای زیست‌محیطی؛^{۱۹} ۳. طراحی برای «نیازهای خاص».

مناسب بودن ظاهر شخصی

ابتدا نظر یوریکو سایتو در مورد مسائل مربوط به ظاهر شخصی بیان می‌شود. ایشان در کتاب *زیبایی‌شناسی/امر روزمره* انتقاد می‌کند که چگونه می‌توان صرفاً بر اساس ظاهر خود و دارایی‌ها، فرد را مدنی، مسئولیت‌پذیر، سخت‌کوش و شایسته یا متضاد آن‌ها دانست. لباس «نامناسب» اغلب به عنوان نشانه بی‌احترامی تلقی می‌شود. نمونه‌ای از آن، رفتار خجالت‌آور اخیر با تیم چوگان از دانشگاه نورث وسترن است که برای ملاقات با رئیس‌جمهور به کاخ سفید دعوت شده بودند. همه آن‌ها دمپایی پوشیدند و فکر می‌کردند که آن صندل‌ها نشان‌دهنده ماهیت معمولی ورزش آن‌ها است. البته رسانه‌ها قیل و قال کردند و از لباس آن‌ها به عنوان «دمپایی انگشتی» و نشان دادن بی‌احترامی انتقاد کردند.^{۲۰} تیم اصرار داشت که منظورشان بی‌احترامی نبوده و این همه هیاهو را درک و فهم نکرده است.

سایتو می‌نویسد که وقتی شخصیت اخلاقی شخصی را از روی ظاهر فرد قضاوت می‌کنیم، به دو جهت متفاوت کشیده می‌شویم، همان‌طور که به نقل از دیوید نویتر^{۲۱}:

«والدین ما به ما هشدار دادند که ظاهر همه چیز نیست. می‌گفتند زیبایی در عمق پوست است. و به ما هشدار دادند... که برای یک شخص چیزی بیشتر از یک چهره زیبا وجود دارد. ...اما به ما هم

بدنما» و حتی نشان‌دهنده بی‌احترامی یا حمله بصری به همسایگان و رهگذران وی تلقی شود، اما اگر بر این باور باشیم که مالک می‌تواند آگاهانه از آزادی بیان خود استفاده کند، ممکن است چنین چشم‌انداز بدنمایی را تحمل کنیم. اما اگر این فعالیت‌ها خارج از دارایی او انجام شود، ما این عمل را به معنای واقعی کلمه ارتکاب خشونت به دیگران، از طریق تخریب اموال و فضاهای متعلق به آن‌ها، می‌دانیم.

سایتو معتقد است که قضاوت اخلاقی در برابر چنین عملی نقش مهمی در قضاوت زیبایی‌شناختی در مورد «چشم‌انداز بدنما» بازی می‌کند، زیرا از دیدگاه کاملاً صوری، ظاهر حسی زباله یا تخریب ممکن است لزوماً از نظر زیبایی‌شناختی منفی نباشد. وی از گفته آلن کارلسون نقل قول می‌کند که «چشم‌انداز بدنما، در درجه اول ناشی از... ویژگی‌های بیانی ناخوشایند است» (ibid, 215) اگر دیدگاهی را که نظریه‌پردازان زیبایی‌شناسی توصیه می‌کنند اتخاذ کنیم و منحصرأ بر جنبه‌های بصری و بافتی چشم‌انداز بدنما تمرکز کنیم، ممکن است جالب، سرگرم‌کننده یا فریبنده به نظر برسد. با این حال، در نگرش معمول ما، واکنش نسبت به ظاهر آنها منفی است. به نظر نمی‌رسد دلیل قانع‌کننده‌ای برای تبدیل آن‌ها به چیزی از نظر زیبایی‌شناختی مثبت داشته باشیم؛ این چنین که خودمان را به‌عنوان یک هنرمند، به‌ویژه یک عکاس، آموزش دهیم و روی پرورش حساسیت زیبایی‌شناختی بی‌طرفانه کار کنیم. بنابراین به نظر می‌رسد که ما برای قضاوت زیبایی‌شناختی منفی براساس قضاوت اخلاقی منفی خود در مورد عملی که آن را به وجود آورده، به‌حق هستیم.

سایتو می‌نویسد که موارد ظریف‌تری وجود دارد که در آن ارزیابی اخلاقی بر ارزیابی زیبایی‌شناختی یک اثر تأثیر می‌گذارد یا گاهی تعیین‌کننده است. وی نمونه‌ای دیگر از آلن کارلسون را بررسی می‌کند و می‌نویسد که «یک محله مرفه‌نشین گران‌قیمت در حومه شهر» را در نظر بگیرید (ibid) اگر آن حاصل طبیعی نیروهای اجتماعی «نژادپرست»، نظام‌های اقتصادی «استثمارگر» و نهادهای سیاسی «فاسد» باشد، ظاهر زیبا، صلح‌آمیز و شیک آن ممکن است «بیانگر» صفات اخلاقی ناپذیرفتنی

گفتند که موهایمان را برس بزنیم، کمی آرایش کنیم و ناخن‌هایمان را تمیز کنیم. ظاهر ممکن است همه چیز نباشد، اما در زندگی خودمان به زودی متوجه شدیم که آن‌ها بی‌اهمیت نیستند و باید با احترام با آن‌ها رفتار شود. بسیاری از ما تشویق می‌شویم که به ظاهر خود توجه کنیم اما در عین حال دیگران را از ظاهرشان قضاوت نکنیم» (Saito, 2007: 213).

خواه عاقلانه باشد که تیم چوگان را به خاطر نمایش فرضی «بی‌احترامی» آن‌ها مورد انتقاد قرار دهیم یا خیر، نکته‌ای که در این نوع قضاوت اخلاقی - زیبایی‌شناختی باید به آن توجه کرد این است که به نظر می‌رسد وابسته به قرارداد اجتماعی است. به نظر سایتو هیچ چیز ذاتاً بی‌احترامی در مورد دمپایی‌هایی که در یک مناسبت فرخنده پوشیده می‌شوند، وجود ندارد. قرارداد اجتماعی در مورد لباس مناسب می‌توانست برعکس باشد. وی در این باره می‌نویسد که در جامعه تخیلی ساموئل باتلر در اروون^{۲۲} (۱۸۷۲) که همه چیز برعکس است، دمپایی‌ها می‌توانند اوج رسمی بودن و آراستگی باشند، در حالی که لباس‌های تاکسیدو و بلند می‌توانند نشان‌دهنده نهایت غیررسمی بودن و معمولی بودن باشند (ibid).

چشم‌انداز بدنمای زیست‌محیطی

یوریکو سایتو معتقد است، در باب زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی نمونه‌هایی از قضاوت‌های اخلاقی - زیبایی‌شناختی را می‌یابیم که به نظر می‌رسد وابسته به قرارداد اجتماعی نیستند. برای مثال، زباله‌ریزی، تخریب اموال عمومی^{۲۳} و دیوارنویسی^{۲۴} را در نظر بگیرید که «محیط را تخریب می‌کنند»، «محیط را آلوده می‌کنند» یا «ویران می‌کنند» (ibid, 214). نگرش عموماً منفی افراد نسبت به این «چشم‌اندازهای بدنما» عمدتاً ناشی از نگرش ضمنی بی‌احترامی، بی‌مسئولیتی، و تهاجم و خشونت آشکار است. محکومیت ما نسبت به این پدیده‌ها معمولاً به اموال دیگران مربوط می‌شود؛ مانند اموال همسایگان یا فضاها و ساختمان‌های مشترک. آثار مخروبه و زباله‌های پراکنده‌شده در اطراف حیاط و آثار اسپری‌شده روی دیوار شخصی می‌تواند «چشم‌انداز

زیبایی‌شناختی معتقد است که مردم در مورد اینکه چه ارزش‌های زندگی توسط یک شیء یا پدیده معین بیان می‌شود، اختلاف‌نظر دارند. حتی یک مثال به‌ظاهر واضح نیز از این دشواری مصون نیست: دودکش‌های کارخانه که دود سیاه بیرون می‌دهند، ممکن است دوستداران محیط‌زیست را از میان ما برانند، اما از نظر تاریخی نیز آن‌ها به‌عنوان نمادی از پیشرفت مورد استقبال و تجلیل بسیاری قرار گرفته‌اند و نمی‌توان گفت که چه تعداد از صنعتگران امروزی همچنان از ظاهر آن‌ها تعریف می‌کنند. وی به بحث نیل اورند^{۲۶} درباره «آفرینش اجتماعی طبیعت» اشاره می‌کند که حتی مفهوم «آلودگی» (که اتفاقاً مفهوم زیبایی‌شناختی دارد) از نظر اجتماعی برای خدمت به یک برنامه اجتماعی و سیاسی خاص ساخته شده است (ibid, 255). همچنین سایتو در کتاب زیبایی‌شناسی/امر روزمره می‌نویسد که اختلاف مشابهی می‌تواند در رابطه با مفهوم «کارکردی» یک شیء/محیط رخ دهد. و از ملوین رادر^{۲۷} و برترام جساب^{۲۸} نمونه‌ای ذکر می‌کند: کارخانه یا ماشینی را فرض کنید که عملکرد تولید کارآمد را به‌خوبی برآورده کند، درحالی‌که شرایط کاری بدی برای کارگران خود فراهم می‌کند؛ بنابراین نمی‌تواند عملکرد مهم دیگری برآورده کند که همانا سلامتی و راحتی فیزیکی کارگران است. تنش در قضاوت کارکردی - زیبایی‌شناختی ایجادشده از این طریق ریشه در اختلاف‌نظر اساسی بر سر اهمیت نسبی «خوب اقتصادی» در مقابل «خوب انسانی» دارد (ibid, 218).

پاسخ سایتو به این تعارض، سه‌گانه است. اولاً، چنین تعارضی مسلماً منحصر به جنبه زیبایی‌شناختی نیست. این به‌سادگی منعکس‌کننده اختلاف‌نظر عمیق ما در مورد دیدگاه اخلاقی، سیاسی و وجودی است که جامعه خوب و زندگی خوب را تشکیل می‌دهد. بنابراین، اگر می‌خواهیم به حل اختلاف زیبایی‌شناختی در اینجا امیدوار باشیم، ابتدا باید به راه‌حلی در میان ایدئولوژی‌های سیاسی و فلسفه‌های مختلف زندگی امیدوار باشیم. اینکه آیا دود سیاه که از کارخانه‌ها بیرون می‌آید، یک چشم‌انداز بدنما است یا نماد غرورآفرین شکوفایی اقتصادی، با تجزیه و تحلیل رنگ، حرکت و حجم آن

نگریسته شوند. مشابه کارلسون، سایتو ادعا می‌کند که فهم ما از محیط انسانی «درک ارزش‌های زندگی» است، که «نه فقط به ظاهر آن، بلکه همچنین به آنچه به نظر می‌رسد و آنچه در نتیجه آن بیان می‌کند، مربوط می‌شود». اگر این جامعه حومه شهر «درواقع نتیجه نیروهای نژادپرست، استثمارگر و فاسد باشد، ممکن است به‌خوبی این ارزش‌های زندگی را بیان کند» و به‌این‌ترتیب «ارزش و ارزش‌گذاری زیبایی‌شناختی، اگر نگوئیم غیرممکن، دشوار خواهد بود». بنابراین، به‌طور خلاصه، از منظر سایتو وضعیت زیبایی‌شناختی یک محیط شهری به وضعیت اخلاقی علت/معلول آن وابسته است، زیرا او به‌صراحت بیان می‌کند که «تا آنجایی که امر اخلاقی و زیبایی‌شناختی در تضاد هم ظاهر می‌شوند، اولی بر دومی غلبه می‌کند». (ibid).

از منظر سایتو، آنچه یک قضاوت اخلاقی - زیبایی‌شناختی را، در مورد اجتماع زباله‌ریز، به قضاوت «زیبایی‌شناختی» تبدیل می‌کند؛ این است که ویژگی‌های مشکل‌آفرین اخلاقی، مانند بی‌احترامی و استثمار، با جنبه‌های حسی شیء اثبات می‌شوند. وی معتقد است که در باب این موضوع، مفهوم آرنولد برلانت از «جرم زیبایی‌شناختی»^{۲۹} بهتر بُعد زیبایی‌شناختی یک قضاوت اخلاقی - زیبایی‌شناختی را نشان می‌دهد (ibid, 216). در حالی که سرمایه‌داران ممکن است ارزش‌های مثبتی در ایجاد کلبه‌های ساحلی ببینند، برلانت آن را به‌عنوان یک «توهین زیبایی‌شناختی» به دلیل «بی‌حساسیتی نسبت به مکان... و مبتذل‌سازی ویژگی‌های جذاب آن» توصیف می‌کند (Berleant, 2012, 67). «کلبه‌های تابستانی که حضور آن‌ها مناظر یک خط ساحلی را آلوده می‌کنند، زشت هستند» زیرا «سازندگان از جذابیت‌های شناخته‌شده منظره‌ای بکر و طبیعی لذت می‌برند و ویژگی‌هایی که در ابتدا این منطقه را جذاب ساخته است را از بین می‌برند». در این قضاوت‌ها، «انکارناپذیر است که قضاوت‌های ما در مورد محیط شهری اغلب از قضاوت‌های ما در مورد ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی آن جدایی‌ناپذیر است» (Saito, 2007: 215).

سایتو در مورد این قضاوت‌های اخلاقی -

می‌گیرد» (Saito, 2007: 219). سایتو به گفته باربارا کنشت^{۲۹} در مورد مسکن برای افراد با «نیازهای ویژه» اشاره می‌کند:

مجتمع‌های ساخت‌وساز به‌صورت استاندارد طراحی شده‌اند؛ بدون اینکه به‌طور خاص به نحوه تعامل انسان‌ها، نحوه پیری، نحوه انجام فعالیت‌های روزانه، رنج ناتوانی و نحوه جشن گرفتن آن‌ها توجه شود. در سال‌های اخیر، آنچه اغلب به‌عنوان مسکن «نیازهای ویژه» نامیده می‌شود، برای پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان - از جمله میل به احساس اجتماع - متفکرانه طراحی شده است (ibid, 219).

نمونه دیگر سایتو از این موضوع، سیستم علامت‌گذاری است که یک طراح ژاپنی به نام هارا کنیا برای یک بیمارستان زنان و زایمان ساخته است؛ با آگاهی از این واقعیت که بیماران در آنجا درواقع «بیمار» نیستند و نیاز به درمان ندارند؛ بنابراین فضایی راحت، خانگی و دلپذیر را در اولویت قرار داده است. او تصمیم گرفت یک سیستم علامت‌گذاری ایجاد کند که یک پوشش پنبه‌ای سفید و گرد با حروف و نمادهای چاپ‌شده است. گاهی به شکل جوراب که با سنجاق به طناب آویزان می‌شود. بافت نرم و شکل گرد در مقایسه با سیستم علامت‌گذاری فلزی یا پلاستیکی مستطیلی‌شکل، احساس ملایم مناسبی برای مادران و نوزادان ایجاد می‌کند (ibid, 220).

سایتو می‌نویسد که طراحی برای گروه‌های خاصی از افراد، چالش‌ها و موانع خاص خود را به همراه دارد و مستلزم تخیل، خلاقیت و نبوغ است، اما از جهتی دیگر آسان‌تر است زیرا ظرفیت‌ها، نیازها، علایق و انتظارات آن‌ها از آغاز در نظر گرفته می‌شود (ibid, 219).

نتیجه‌گیری

رابطه میان امر زیبایی‌شناختی و امر اخلاقی از موضوعات مجادله‌انگیز در گفتمان اصل زیبایی‌شناسی در باب هنر است. دامنه دیدگاه‌ها در این باب از جدایی کامل آن‌ها که زیبایی‌شناسی‌باوری از آن حمایت می‌کند، تا ادغام آن‌ها که اخلاق‌باوران مدافعی هستند، گسترده است. سایتو را می‌توان در زمره اخلاق‌باوران

قابل حل نیست. ثانیاً، وجود این تضادها برای هدف فعلی، مشکلی ایجاد نمی‌کند، زیرا در اینجا صرفاً روشی را نشان می‌دهیم که در آن قضاوت‌های زیبایی‌شناختی اخلاقی در مورد مصنوعات در زندگی روزمره ما انجام می‌شود. با یا بدون اختلاف‌نظر، این قضاوت‌ها در مورد محیط مطمئناً نشان می‌دهد که ما اغلب چنین قضاوت‌هایی را انجام می‌دهیم.

ثالثاً، اگرچه نمی‌توانیم به حل کامل این اختلافات امیدوار باشیم، اما اگر این قضاوت‌های اخلاقی - زیبایی‌شناختی را براساس تجربه‌ای جامع‌تر و نه فقط بصری انجام دهیم، ممکن است شدت/فراوانی آن‌ها تا حدی کاهش یابد. قضاوت‌های اخلاقی - زیبایی‌شناختی شیء/محیط ما معمولاً از دیدگاه «بیننده» انجام می‌شود که عمدتاً بر جنبه بصری آن تمرکز دارد. قضاوت‌های انجام‌شده از دیدگاه کاربران و ساکنان تا حدودی متفاوت خواهد بود، و بیشتر بر واکنش و احساسات بدن تمرکز می‌کند؛ بنابراین سطح راحتی، ایمنی، کاربرپسند بودن، واکنش به تجربه کل‌نگر ما را نشان می‌دهد (ibid, 219).

طراحی برای نیازهای خاص

نمونه دیگری از گفتمان اخلاقی - زیبایی‌شناسی سایتو، طراحی است که به‌طور خاص با هدف خدمت به نیازهای گروه خاصی از مردم، مانند معلولان جسمی، کودکان، سالمندان، بیماران، و پناهندگان آواره انجام می‌شود. در طراحی اشیاء و فضاها برای افراد دارای «نیازهای خاص»، باید نسبت به علایق و ظرفیت‌های خاص آن‌ها حساس و پاسخگو باشیم. از این رو، ما به اندازه، شکل، بافت، رنگ و ایمنی اشیاء، و حتی به عوامل کمتر ملموس، از راحتی و رفاه گرفته تا احتمال تبعیض، حاشیه‌نشینی، جابه‌جایی فرهنگی، انگ اجتماعی، و مانند آن توجه می‌کنیم. اگر در یک محیط شهری، وسیله نقلیه، ابزار، ظروف یا پناهگاه‌های موقت باشد، شیء باید با در نظر گرفتن نیازها و ظرفیت‌های خاص اجزای آن طراحی شود. در غیر این صورت، نتیجه به‌وضوح «طراحی بی‌ملاحظه» خواهد بود، مانند «فضاهایی که... به وسیله پله‌ها به هم متصل می‌شوند» که «نیازهای مادر با کالسکه یا کاربران معلول را نادیده

8. Jokyo
9. Jittai
10. Iris Murdoch
11. Unselfing
12. Eiko Ikegami
13. linked verse
14. Everyday Aesthetics
15. Aesthetics of the familiar _ everyday life and world-making
16. John Dewey
17. readymades
18. Alessandro Giovannelli
19. Environmental eyesore
20. Many newspapers, such as USA Today, ran the article entitled: "Northwestern lax team sparks White House flip-flops flap" (19 July 2005).
21. David Novitz
22. Samuel Butler's fictional society of Erewhon
23. Vandalism
24. graffiti
25. Aesthetic Offense
26. Neil Evernden
27. Melvin Rader
28. Bertram Jessup
29. Barbara Knecht

کتابنامه

- حسین زاده، مصطفی؛ شریف زاده، محمدرضا. (۱۳۹۷). «شناخت و تبیین الگوی زیبایی‌شناسی همگانی (طبیعت - محیط) بر اساس آرای جان دیویی و نسبت آن با زیبایی‌شناسی محیطی معاصر». دو فصلنامه فلسفی شناخت صص ۵۱-۷۴.
- سایتو، یوریکو. (۱۳۹۶)، دانشنامه فلسفه استنفورد، ج. ۷۸: زیبایی‌شناسی امر روزمره، ترجمه کاوه بهبهانی. تهران: ققنوس.
- سلمانی، علی. (۱۳۹۴)، «رابطه زیبایی با اخلاق در زیباشناسی کانت». مجله علمی - پژوهشی متافیزیک، ش ۲۰ صص ۶۵-۸۰.
- سلمانی، علی؛ شاملو، غلامرضا. (۱۳۹۱)، «نسبت اخلاق و زیبایی‌شناسی در اندیشه شیلر». فصلنامه علمی پژوهشی

برشمرد. وی معتقد است که الزامات اخلاقی هنر با تغییر جهان رابطه مستقیمی ندارند اما احتمالاً بر ادراک و نگرش و جهان‌بینی مخاطبان اثر می‌گذارند و آن‌ها را به عمل خاصی سوق می‌دهند، و این تأثیر غیرمستقیم است. در قیاس با این امر، تأثیر زیبایی‌شناسی امور روزمره اغلب نتایج مستقیمی بر جهان به بار می‌آورد که حال و روز جهان را دگرگون می‌کند اما در باب این که آیا الزامات اخلاقی باید بر ارزش زیبایی‌شناختی شیء (یا ابژه زندگی روزمره) اثر بگذارند، وی با مطالبه تغییر در سرمشق زیبایی‌شناختی، مدافع ادغام آن‌هاست.

همچنین سایتو معتقد است که وضعیت زیبایی‌شناختی یک اثر یا محیط شهری به وضعیت اخلاقی علت/معلول آن وابسته است، «تا آنجایی که اگر امر اخلاقی و زیبایی‌شناختی در تضاد هم ظاهر شوند، اولی بر دومی غلبه می‌کند». همچنین وی معتقد است که قضاوت اخلاقی، نقش مهمی در قضاوت زیبایی‌شناختی بازی می‌کند و اعتقادی به اجتناب از تاثیر قضاوت اخلاقی بر قضاوت زیبایی‌شناختی ندارد.

وی همچنین قائل به یک رسالت مهم برای زیبایی‌شناسی است و آن بالا بردن سطح آگاهی عامه مردم و آموزش آن‌هاست. وظیفه زیبایی‌شناسی، پرورش دادن سواد و حساسیت زیبایی‌شناختی است تا به تبع آن بتوان قدرت امر زیبایی‌شناختی را در خدمت بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی و حال و روز جهان به کار برد. تاثیرات متراکم و جمعی این احکام و اعمال که زیبایی‌شناسی راهبر آن‌هاست می‌تواند جامعه را به سمت و سویی مدنی‌تر و انسانی‌تر و جهان را به سمت و سویی پایدارتر سوق دهد.

پی‌نوشت

1. Robert Carter
2. Ningen
3. Yu Inutsuka
4. Tetsuro Watsuji
5. Kokinshu
6. The Pillow Book
7. Shuji Takashina

Press.

Inutsuka, Yū. (2017), "Sensation, Betweenness, Rhythms: Watsuji's Environmental Philosophy and Ethics in Conversation with Heidegger." In *Japanese Environmental Philosophy*, by Baird Callicott and James McRae, pp97-104. New York: Oxford University Press.

Kenya, Hara. (2003), *Dezain no Dezain (Design of Design)*. Tokyo: Iwanami Shoten.

Knecht, Barbara. (1999), "Special Needs' and Housing Design: Myths/Realities/Opportunities" In *Design and Feminism: Re-Visioning Spaces, Places, and Everyday Things*, by Joan Rothschild, New Brunswick: Rutgers University Press.

Murdoch, Iris. (1970), *The Sovereignty of Good*, London: Routledge & Kegan Paul.

Novitz, David. (1992), *The Boundaries of Art*. Philadelphia: Temple University Press.

Rader, Melvin; Jessup Bertram. 1976. *Art and Human Values*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall.

Saito, Yuriko. (2017a), *Aesthetics of the Familiar: Everyday Life and World-Making*, Oxford: Oxford University Press.

_____. (2016), "Body Aesthetics and the Cultivation of Moral Virtues." In *Body Aesthetics*, by Sherri Irvin, 225-242. Oxford: Oxford University Press.

_____. (2007), *Everyday Aesthetics*. Oxford: Oxford University Press.

_____. (2017b), "The Ethical Dimensions of Aesthetic Engagement." *ESPES* 19-29.

Sepänmaa, Yrjö. (1995), "Aesthetics in Practice: Prolegomenon" In *Practical Aesthetics in Practice and in Theory*, by M. HONKANEN. Helsinki: University of Helsinki.

کیمیای هنر، ش ۳، صص ۳۵-۴۶.

کرمی، محسن، و دیگران. (۱۳۹۵)، «جستاری در دفاع از امکان نقد اخلاقی هنر». فصلنامه علمی - پژوهشی کیمیای هنر، صص ۷-۲۲.

کرمی، محسن؛ حسینی، مالک. (۱۳۹۵)، «نسبت میان ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی در اثر هنری» دو فصلنامه فلسفی شناخت، صص ۲۰۹-۲۲۶.

همتی، ذوالفقار، و دیگران. (۱۳۹۸)، «ارتباط اخلاق و زیبایشناسی در فلسفه هیوم» فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های فلسفی، ش ۲۶ صص ۳۹۹-۴۲۱.

Berleant, Arnold. (2012), *Aesthetics beyond the Arts: New and Recent Essays*. Farnham: Ashgate.

Berque, Augustin. (2017), In *Thinking the Ambient: On the Possibility of Shizengaku (Naturing Science)*. In CALLICOTT, J. B. and MCRAE, J. eds. *Japanese Environmental Philosophy*, pp 13-28. New York: Oxford University Press.

Carlson, Allen. (2000), *Aesthetics and the Environment: The Appreciation of Nature, Art and Architecture*. London: Routledge.

Carlson, Allen. (2001), "On Aesthetically Appreciating Human Environments." *Philosophy & Geography*, 4:1 pp 9-24.

Carter, Robert . (2008), *The Japanese Arts and Self-Cultivation*, Albany: *Suny* press.

Evernden, Neil. (1992), *The Social Creation of Nature*. Baltimore: The Johns Hopkins University Press.

Giovannelli, Alexandro. (2007), "Ethical Criticism of Art: A New Mapping of the Territory." *Philosophia*, 35, pp 117-127.

Ikegami, Eiko. 2005. *Bonds of Civility: Aesthetic Networks and the Political Origins of Japanese Culture*. Cambridge: Cambridge University